

پوتین همچنان قدرتمند

موج جدیدی از احساسات ضد پوتینی در روسیه به راه افتاده اما با در نظر گرفتن علاقه بیش از دو سوم جمعیت روسیه به رئیس جمهوری آتی این کشور، امید چندانی به ایجاد تغییرات وجود ندارد

عادلی/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران/سرویس روسیه

موج جدیدی از احساسات ضد پوتینی در روسیه به راه افتاده اما با در نظر گرفتن علاقه بیش از دو سوم جمعیت روسیه به رئیس جمهوری آتی این کشور، امید چندانی به ایجاد تغییرات وجود ندارد. به گزارش آران نیوز به نقل از سرویس بین الملل فرارو، تنها یک هفته مانده به برگزاری انتخابات پارلمانی روسیه، ولادیمیر پوتین، نخست وزیر این کشور روز یکشنبه 27 نوامبر در مقابل جمعیت 11 هزار نفری و در میان نمایندگان روسیه متحد تمام توجهات را به خود معطوف کرد. وی سخنرانی قوی اما مبهمی را در مورد اینکه تمام زندگی خود را صرف خدمت به کشورش کرده برگزار کرد و تشویق‌هایی را شاهد بود. پس از آن به صورت رسمی نامزدی حزب روسیه متحد برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری ماه مارس که بی‌تردید پیروز آن خواهد بود را اعلام کرد. این امر در راستای توافقات ماه سپتامبر صورت گرفت که به جایجایی مسندهای مدوودف و پوتین منتج می‌شود.

اما در طول سال‌های پس از کنار رفتن رسمی پوتین از سمت ریاست جمهوری تا کنون تغییرات بسیاری روی داده است. با آغاز به کار دیمیتری مدوودف به عنوان رئیس جمهوری روسیه بحث نوسازی، تنش زدایی با آمریکا و ایجاد فضایی بازتر در سیستم به راه افتاد. اما طی دو ماه از زمان توافق پوتین و مدوودف مسئله دیگری نیز تغییر کرده است: آنچه زمانی می‌توانست به سادگی یک بی‌تفاوتی عمومی خوانده شود سریعاً به نارضایتی آشکاری تبدیل شده و رو به گسترش است.

یکی از موارد قابل توجه و نمادی‌ترین شکل نارضایتی «انقلاب هو کردن» نام گرفته است. این امر یک ماه پیش آغاز شد زمانیکه یک گروه راک روسی پیش از آغاز کنسرت خود اعلام کرد حزب روسیه متحد حمایت مالی برنامه را بر عهده داشته و صدای بلند موج ناگهانی هو کردن حتی صحبت‌های سخنران را نیمه تمام گذاشت. پس از آن مقامات اعلام کردند که چنین حمایت مالی صورت نگرفته اما این امر آغازگر نوعی از اعتراض بود. پس از آن حتی در محافل ورزشی هم بردن نامی از حزب روسیه متحد صدای هو کردن مردم را به دنبال داشته است.

اتفاق مهم در 20 نوامبر روی داد، زمانیکه پوتین برای تماشای مبارزه هنرهای رزمی میان دو رزمی کار روسی و آمریکایی به ورزشگاه رفته و پس از پیروزی رزمی کار روسی بر روی رینگ مبارزه رفت و با بیان عبارت «یک قهرمان واقعی روسی» قصد تشویق وی را داشت اما مشکل این بود که تعداد اندکی از مردم توانستند صدای پوتین را در میان هیاهوی 20 هزار نفری که با هو کردن وی، شعار «برو برو» سردادند، بشنوند.

زمانی که تصاویر این اتفاق پخش شد، مشاور مطبوعاتی پوتین قصد توجیه آن را داشت اما هیچ توضیح قابل قبولی در این باره ارائه نشد، ضمن اینکه پوتین در دو مراسم مشابه طی همان هفته در شرایطی حاضر نشد که نامش در صدر لیست مدعوین بود.

ارقام هم توصیف خود را دارند؛ روسیه متحد به عنوان حزبی که در حمایت از پوتین آغاز به کار کرد، در نظرسنجی‌ها با کاهش محبوبیت روبرو شده است. در آستانه انتخابات پارلمانی پیشین در سال 2000، در نظرسنجی‌های ملی دو سوم جمعیت حامی این حزب بودند اما این رقم در حال حاضر به 50 درصد کاهش یافته است. در برخی مناطق در سن پترزبورگ، آستاراخان و کالینینگراد شرایط حزب روسیه متحد به مراتب بدتر است. حتی احزاب دیگری در کرملین برای رقابت با روسیه متحد روی کار آمدند اما بسیاری معتقدند قوانین انتخابات در دادگاه عالی چالش برانگیز هستند و در برخی موارد حتی این قوانین و قانون اساسی نقض می‌شود.

با این حال چنین اقداماتی در تضاد با تز اصلی پوتینیسم است: بر اساس این تز مردم روسیه هنوز آماده برقراری دموکراسی نیستند و همین امر بر لزوم مدیریت دقیق از سوی دست‌های محکم تأکید دارد. این ایده که برای مدتی به عنوان «دموکراسی حاکمیت» شناخته می‌شد، حال به عنوان یک تحول از سوی دولت‌مردان روسی مطرح می‌شود.

اما اتفاقاتی که در روسیه در جریان است نشان می‌دهد درک مردم این کشور در این زمینه افزایش یافته و آنها دیگر نمی‌خواهند از سوی مقامات احمق فرض شوند. تمام وعده‌ها در مورد ثبات و رفاه در پی سقوط دهه نود بر باد رفته و مسائل مربوط به سیستم فعلی جایگزین این دغدغه‌ها شده است. این امر بیانگر نوعی از شکوفایی سیاسی در روسیه است. «سیاست» در روسیه هنوز کلمه زشتی است برای توصیف مبارزات آورده به منظور رسیدن به قدرت اما پیشرفت‌هایی در این زمینه به چشم می‌خورد که سیاست را ابزاری برای تغییر شرایط روزانه نیز می‌توان مورد استفاده قرار داد. در مسکو افراد بیشتری نسبت به چهار سال پیش در مورد رای دادن به یک کاندید صحبت می‌کنند. نارضایتی از مقامات حزب روسیه متحد شاید نشانه‌ای از رشد درک مردم از شعار حقیقت، شرافت، عدالت دولت باشد.

تحلیل‌گران معتقدند تمایل مردم به مسائل اقتصادی و محلی افزایش یافته و در سوی دیگر توجه به مسائل ایدئولوژیک رو به کاهش است. در این شرایط ساختارهای قدرت در مناطق مختلف در مواجهه با این مسائل از توانایی چندانی برخوردار نیستند چراکه روسای محلی بر سر دوراهی ترس از مسکو یا خواست افراد، مسکو را انتخاب می‌کنند.

البته هنوز زمان طولانی تا شکوفا شدن درک مردم مانده است. بر اساس نظرسنجی مرکز لوادا تنها 31 درصد از مردم به ریاست جمهوری پوتین رای خواهند داد، با این حال نزدیک‌ترین رقیب وی گنادی زیوگانوف از حزب کمونیست 8 درصد از این آرا را به خود اختصاص داده است.

در حال حاضر با وجودی که میزان محبوبیت پوتین از 80 درصد به 67 درصد کاهش یافته باید به این نکته اشاره کرد که اکثر رهبران جهان در بهترین روزهای خود نیز از چنین سطح محبوبیتی برخوردار نبوده‌اند. (میزان محبوبیت باراک اوباما در هفته نخست پس از سوگند خوردن 65.9 درصد بود.) با وجودی که تعداد افرادی که در روسیه دولت را مرکز فساد می‌دانند طی یک دهه اخیر به دو برابر افزایش یافته میزان محبوبیت پوتین همچنان برای بسیاری رهبران رشک برانگیز است.

همین امر نشان می‌دهد علیرغم تمام تغییرات، این سیستم هنوز خوب کار می‌کند. بسیاری از مردم روسیه از تصور اینکه پوتین برای 12 سال دیگر به قدرت باز می‌گردد ناراحت و خشمگین هستند اما دو سوم جمعیت این کشور چنین احساساتی ندارند.

آنچه باقی مانده خیابانی است که تعداد اندکی از مردم در آن گردهم می‌آیند. به عقیده برخی کارشناسان چنین اقداماتی را نمی‌توان یک جنبش خواند و نارضایتی موجود به اقدامات عملی تبدیل نخواهد شد. آنها معتقدند واقعیت این است که سیستم دولتی روسیه از مزیت برجسته‌ای برخوردار است و آن اینکه در تقابل با جامعه‌ای است که مردمش علاقه وافری به حرف زدن، بحث کردن و گزارش دادن دارند اما هنوز در سازمان‌دهی اقدامات‌شان به بدترین شکل عمل می‌کنند.

پایان پیام